

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۴ (پیاپی ۴۵)
(ویژه‌نامه علوم تربیتی)

بررسی نگرش دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز
نسبت به اهمیت و فایده برنامه درسی دوره

سید محمدباقر پورحقیقی‌زاده*
دکتر محسن خادمی**
دانشگاه شیراز

چکیده

به منظور بررسی نگرش دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز، نسبت به اهمیت و فایده دروس ارائه شده، کلیه دانش‌آموختگان این رشته (شامل ۱۶۵ نفر مرد و ۶۰ نفر زن) که در فاصله زمانی تیرماه ۱۳۷۳ تا تیرماه ۱۳۷۷ دانش‌آموخته شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. برای تعیین میزان اهمیت و فایده دروس ارائه شده، کلیه دروس اصلی و تخصصی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در دوازده مقوله تقسیم‌بندی شدند و دانش‌آموختگان در یک مقیاس پنج‌گزینه‌ای میزان اهمیت و فایده هر یک از دروس را، مشخص کردند. نتایج نشان داد که در دو بعد اهمیت و فایده، مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای دارای بهترین رتبه نسبت به دیگر مقوله‌ها بود و مقوله‌های دانش و مهارت‌های روان‌شناختی و دانش و مهارت‌های مدیریتی، در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. مقایسه نگرش دانش‌آموختگان مرد و زن در دو بعد اهمیت و فایده، مشخص کرد که در هر دو بعد، در مقوله‌های دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای و دانش و مهارت‌های روان‌شناختی بین مردان و زنان تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در مورد تأثیر جایگاه شغلی دانش‌آموختگان بر نگرش آنان، نسبت به اهمیت و فایده دروس ارائه شده، نتایج نشان داد که در هر دو بعد یاد شده، میانگین نمرات مدیران در مقوله دانش و مهارت‌های مالی به‌طور معنی‌داری بیش از گروه‌های دیگر است. همچنین همبستگی بین اهمیت دروس و فایده آنها در همه مقولات مثبت و معنی‌دار بود.

واژه‌های کلیدی: ۱. نگرش ۲. دانش‌آموختگان ۳. رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی ۴. اهمیت دروس

۱. مقدمه

کیفیت در آموزش عالی، همواره مورد توجه دانشگاه‌ها بوده است. می‌توان گفت، موسسات آموزش عالی، در همه جای دنیا با افزایش تقاضای پذیرش دانشجو و لزوم بهبود کارایی مواجه هستند. این مؤسسات، مجبور شده‌اند، در صد یافتن منابع مالی جدید برآیند و نحوه بهره‌برداری از منابع موجود خود را بهبود بخشند. آنها در عین حال، ناچارند با گونه‌گونی روزافزون شرایط جدید دانشجویان کنار بیایند تا بتوانند نیازهای در حال تغییر بازار کار را برآورده سازند. در این راستا، بررسی منابع، امکانات و چگونگی بکارگیری آنها از اهداف وظایف بخش برنامه‌ریزی است. یکی از راه‌های به نسبت مطمئن برای بررسی نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها و استفاده از منابع، بررسی و تعیین اثربخشی برنامه‌ها و کارایی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است که تولید و برونداد آموزش عالی محسوب می‌شوند و انتظار می‌رود که از توان لازم و کافی، برای درک و حل مشکلات شغلی برخوردار باشند.

* کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

** استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

میرکمالی (۱۳۷۲) دانش‌آموختگان را، بهترین منبع برای ارزیابی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی می‌داند، بویژه آنکه دانش‌آموختگان می‌توانند، آموخته‌های خود را در محیط کار به محک آزمایش و تجربه بگذارند و نقاط قوت و ضعف این آموزش‌ها را دریابند. بدین لحاظ، طراحی و انجام پژوهش‌هایی که اثربخشی آموزش عالی را مد نظر داشته باشد، اهمیت روزافزونی پیدا می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان اهمیت و ضرورت انجام این‌گونه تحقیقات، را از چند جنبه مورد بحث قرار داد، اول آنکه اطلاعات بدست آمده از این تحقیقات، می‌تواند زمینه‌ای عینی و مشخص (نه ذهنی و مبهم) برای حل بسیاری از مشکلاتی که دانشگاه‌ها با آن مواجهند، فراهم آورد (حسینی: ۱۳۷۶). یکی از این مشکلات در دانشگاه‌ها، فقدان انگیزه کافی در دانشجویان برای تکمیل دروسی است که از نظر آنان اهمیت چندانی ندارد و موجب می‌شود، آنان برای رویارویی با مسائل نظری، عملی، یا اجرایی، نقشی که پس از دانش‌آموختگی به عهده خواهند گرفت، آماده نباشند. به‌عنوان دومین دلیل می‌توان گفت، دروسی که در دانشگاه به دانشجویان ارائه می‌گردد، ارزیابی شده و اطلاعات بدست آمده از این راه، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مدیران دانشگاه در خصوص ادامه یا قطع برنامه‌ها و یا بهبود و پیشرفت آنها مؤثر باشد (کمیتة اطلاعات شغلی ایالت تگزاس: ۱۹۹۸).

به‌نظر هاوکی و لی^۱ (۱۹۹۹) میزان فایده دروس در عملکرد شغلی دانش‌آموختگان سال ۱۹۹۶ را در دانشگاه بریتیش کلمبیا مورد بررسی قرار داده‌اند و حدود ۷۷ درصد دانش‌آموختگان دروس را خیلی مفید یا مفید دانسته‌اند. محققان یاد شده اعتقاد دارند که نتایج بدست آمده از این قبیل پژوهش‌ها، به متقاضیان ثبت‌نام در دانشگاه کمک می‌کند تا با آگاهی از خدمات و نحوه ارائه آنها، با اطمینان خاطر بیشتری دانشگاه و رشته مورد نظر را انتخاب کنند. در حقیقت، آنها حق دارند پیش از ورود به دانشگاه، از عملکرد آن اطلاعات دقیقی داشته باشند. همچنین اطلاعاتی که از این طریق بدست می‌آید به مسؤولان تعیین بودجه سازمان‌های آموزشی کمک می‌کند تا در تصمیمات خود، برای تعیین بودجه عقلانی‌تر و واقع‌بینانه‌تر عمل نمایند (هسلوپ: ۱۹۹۹).^۲ در نهایت اینکه با توجه به یافته‌های چنین پژوهش‌هایی است که سازمان‌های اصلی جامعه، محققان علمی، موسسات بازرگانی و ... می‌توانند خط مشی، سیاست‌ها و نظراتشان را در خصوص برنامه‌ها و ارائه‌کنندگان خدمات تغییر دهند (مارش و روشه: ۱۹۹۴).^۳

امیری (۱۳۷۶) در پژوهشی که در مورد دانش‌آموختگان سال‌های (۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴) در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، انجام داده است، میزان مطلوبیت و فایده دروس اصلی و تخصصی کلیه رشته‌های دانشکده کشاورزی را، ارزیابی کرده است. یافته‌های وی در مورد میزان مطلوبیت دروس اصلی و تخصصی از نظر دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که درصد زیادی از پاسخ‌های دانش‌آموختگان، اعم از دختر و پسر، مربوط به گزینه‌های متوسط و مطلوب بوده است (مطلوب ۳۴/۵ و متوسط ۴۸/۱ درصد). از سوی دیگر، بنا به گزارش امیری (۱۳۷۶) بین ارزیابی دانش‌آموختگان دختر و پسر، از لحاظ میزان مطلوبیت دروس اصلی و تخصصی ارائه شده تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است و در مورد میزان مفید بودن دروس اصلی دانشکده کشاورزی، بیشتر پاسخ‌ها بین کم و متوسط قرار داشته است. ارزیابی دانش‌آموختگان دختر و پسر از لحاظ میزان مفید بودن دروس اصلی رشته کشاورزی در موقعیت شغلی نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان پسر، در مقایسه با دانش‌آموختگان دختر، اغلب دروس اصلی رشته کشاورزی را در موقعیت شغلی مفیدتر دانسته‌اند و تفاوت معنی‌داری بین ارزیابی دانش‌آموختگان دختر و پسر از میزان مفید بودن دروس اصلی در موقعیت شغلی وجود دارد. ضمن اینکه میزان اشتغال دانش‌آموختگان پسر در مشاغل مربوط به رشته تحصیلی به‌طور معنی‌داری بیشتر از دختران بوده است.

مهدی‌نژاد (۱۳۷۶) در پژوهشی به منظور بررسی نظرات دانش‌آموختگان رشته‌های دبیری در مورد اهمیت و اثربخشی دروس تربیتی، میزان اهمیت و اثربخشی این دروس را، در آماده‌سازی دانش‌آموختگان رشته‌های دبیری و همچنین میزان رضایت دانش‌آموختگان از نحوه ارائه‌ی دروس تربیتی در دانشگاه سیستان و بلوچستان را، مورد بررسی قرار داده است. و نتیجه گرفته است که حدود ۷۳ درصد از دانش‌آموختگان دروس تربیتی را مهم یا خیلی مهم دانسته‌اند. در پژوهش مهدی‌نژاد (۱۳۷۶) بین نظرات دو گروه مرد و زن، تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است؛ حال آنکه در خصوص اثربخشی دروس تربیتی، حدود ۶۰ درصد از دانش‌آموختگان دروس را مؤثر یا خیلی مؤثر دانسته‌اند و

تفاوت بین دو گروه مرد و زن معنی‌دار بوده است.

سادمنت و هسلوپ^۴ (۱۹۹۷) با پژوهشی در دانشگاه پرزیدنت کانسیل کانادا، رضایت دانش‌آموختگان از برنامه‌های درسی دانشگاه را، از دو بعد مورد بررسی قرار داده‌اند: اول آنکه، دانش‌آموختگان چه‌قدر از برنامه‌های درسی ارائه شده رضایت دارند؛ دوم آنکه، در صورت برگشتن به ابتدای تحصیل آیا باز هم مایلند که همان برنامه‌ها را بگذرانند. برای پاسخ به پرسش اول، محققان برنامه‌ها را به ۸ مقوله تقسیم کرده‌اند. ۸۴ درصد از دانش‌آموختگان از برنامه‌ها رضایت یا خیلی رضایت داشته‌اند. در پاسخ به پرسش دوم، دانش‌آموختگان در همان ۸ مقوله نظرات خود را بیان کرده بودند که ۶۷ درصد از آنان برای گذراندن همان دروس ابراز تمایل کرده بودند. یعنی با وجود اینکه ۸۴ درصد از افراد از برنامه‌ها راضی یا خیلی راضی بوده‌اند، تنها ۶۷ درصد از آنها، با گذراندن مجدد همان برنامه‌ها موافق بوده‌اند. محققان جهت بررسی بیشتر مطلب یاد شده یک پرسش انشایی را در مورد علت گذراندن یا عدم گذراندن همان برنامه‌ها مطرح کرده بودند، تحلیل محتوای پاسخ‌ها نشان داده است که علت این تفاوت، بیشتر مربوط به شغل دانش‌آموختگان می‌باشد. دانش‌آموختگان با وجود رضایت از برنامه‌ها احساس می‌کردند که برنامه‌های گذرانده شده، اهمیت لازم را، در شغل کنونی آنها ندارد و تمایل داشته‌اند تا برنامه‌هایی را بگذرانند که در شغل فعلی آنها بیشتر بکار آید.

پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی نگرش دانش‌آموختگان در خصوص اهمیت و فایده برنامه درسی دوره کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی می‌باشد. منظور از اهمیت، نظر دانش‌آموختگان در مورد ضرورت گذراندن دروس برنامه دوره است و منظور از فایده، این است که چه‌قدر دروس گذرانده شده برای دانش‌آموختگان در عمل کاربرد داشته است.

۲. روش پژوهش

۲.۱. جامعه مورد مطالعه

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه دانش‌آموختگان دوره کارشناسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز بودند که در فاصله زمانی (تیرماه ۱۳۷۳ لغایت تیرماه ۱۳۷۷) تمامی دروس خود را گذرانده بودند. کلیه افراد بالا، به عنوان آزمودنی‌های این تحقیق انتخاب شدند که جمع آنها ۲۲۵ نفر دانش‌آموخته بود. از این تعداد، تنها ۱۹۵ نفر از دانش‌آموختگان قابل استفاده بود و پرونده ۳۰ نفر بقیه فاقد نشانی پستی بود و یا نشانی پستی، به‌طور ناقص ثبت شده بود. بنابراین نمونه نهایی تحقیق حاضر، مشتمل بر ۱۹۵ نفر (۵۲ زن و ۱۴۳ نفر مرد) بود که اطلاعات مربوطه به‌طور خلاصه در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: تعداد دانش‌آموختگان جامعه و نمونه

مجموع	زن	مرد	
۲۲۵	۶۰	۱۶۵	جامعه
۱۹۵	۵۲	۱۴۳	نمونه

پرسش‌نامه تحقیق، برای ۱۹۵ نفر دانش‌آموخته یاد شده ارسال شد که ۱۴۱ نفر از آنها پرسش‌نامه تکمیل شده را برگشت دادند. از ۱۴۱ نفر دانش‌آموختگانی که به‌عنوان آزمودنی‌های این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند، ۱۳۶ نفر شاغل بوده‌اند که از این تعداد ۱۳۳ نفر در آموزش و پرورش کار می‌کرده‌اند. جدول (۲) اطلاعات مربوط به وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان

مجموع	زن	مرد	نوع شغل
۱۳۳	۳۴	۹۹	شاغل در آموزش و پرورش
۳	۱	۲	شاغل در دیگر سازمان‌ها
۵	۲	۳	بدون شغل
۱۴۱	۳۷	۱۰۴	مجموع

جایگاه شغلی دانش‌آموختگان شاغل در آموزش و پرورش، شامل شش گروه بود. جدول (۳) وضعیت جایگاه شغلی افراد شاغل در آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: جایگاه شغلی دانش‌آموختگان شاغل در آموزش و پرورش

مجموع	زن	مرد	جایگاه شغلی
۱۲	-	۱۲	مدیر اداره
۲۲	۳	۱۹	مدیر مدرسه
۳۰	۶	۲۴	معاون مدرسه
۲۷	۱۵	۱۲	مشاور مدرسه
۳۰	۹	۲۱	دبیر و معلم
۱۲	۱	۱۱	کارمندان اداری
۱۳۳	۳۴	۹۹	مجموع

۲.۲. ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری اطلاعات در این بررسی، از پرسش‌نامه‌ای که توسط محقق ساخته شده بود، استفاده گردید. این پرسش‌نامه از سه بخش به شرح زیر تشکیل شده بود:

الف. پرسش‌هایی در مورد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانش‌آموختگان که شامل مواردی چون: جنس، شغل، سمت و سال فراغت از تحصیل می‌باشد.

ب. اهمیت دروس ارائه شده.

ج. فایده دروس ارائه شده.

در بخش ب و ج، کلیه دروس اصلی و تخصصی که در طول دوره تحصیل به دانش‌آموختگان ارائه شده بود، بر مبنای ماهیت دروس مقوله‌بندی شدند و در دوازده مقوله، به ۱۰ نفر از استادان ارائه گردید و پیشنهادات مشترک آنان در مقوله‌بندی اعمال شد که این مقولات عبارتند از: ۱. دانش و مهارت‌های مدیریتی؛ ۲. مهارت‌های عملی مدیریتی؛ ۳. دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی؛ ۴. دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی؛ ۵. دانش و مهارت‌های روان‌شناختی؛ ۶. دانش و مهارت‌های پژوهشی؛ ۷. دانش و مهارت‌های تدریس؛ ۸. دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای؛ ۹. دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی؛ ۱۰. دانش و بینش فلسفی؛ ۱۱. دانش و مهارت‌های مالی؛ ۱۲. دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی.

برای هر یک از مقوله‌ها یک مقیاس درجه‌بندی پنج‌گزینه‌ای در نظر گرفته شده بود که برای اهمیت دروس، یکی از گزینه‌های "خیلی مهم"، "مهم"، "نظری ندارم"، "بی‌اهمیت" و "خیلی بی‌اهمیت" و برای فایده دروس، یکی از گزینه‌های "خیلی مفید"، "مفید"، "نظری ندارم"، "بی‌فایده" و "خیلی بی‌فایده"، قابل انتخاب بود.

۲.۲.۱. روایی و پایایی: جهت بررسی روایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات، گویه‌های پرسش‌نامه یاد شده به ۱۰ نفر از

استادان ارائه گردید تا درباره آن اظهار نظر نمایند. نظرات استادان در مورد پرسش‌نامه جمع‌آوری و جمع‌بندی شد و بر این اساس، تغییرات و اصلاحات لازم در پرسش‌نامه اعمال گردید.

برای سنجش پایایی این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید، ضریب آلفای کرونباخ، برای هر یک از دوازده مقوله اهمیت و فایده محاسبه شد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای مقولات اهمیت و فایده به‌طور کلی نیز محاسبه گردید. در جدول (۴) ضرایب پایایی مقوله‌های دوازده‌گانه اهمیت و فایده دروس آورده شده است.

جدول ۴: ضرایب پایایی پرسش‌نامه اهمیت و فایده برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی

آموزشی و مقوله‌های فرعی آن

ردیف	مقولات	اهمیت	فایده
۱	دانش و مهارت‌های مدیریتی	۰/۶۲	۰/۷۵
۲	مهارت‌های عملی مدیریتی	۰/۸۵	۰/۸۷
۳	دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی	۰/۹۶	۰/۹۳
۴	دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی	۰/۷۵	۰/۷۶
۵	دانش و مهارت‌های روان‌شناختی	۰/۸۰	۰/۸۲
۶	دانش و مهارت‌های پژوهشی	۰/۸۱	۰/۷۹
۷	دانش و مهارت‌های تدریس	۰/۶۱	۰/۶۰
۸	دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای	۰/۷۵	۰/۸۱
۹	دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی	۰/۶۱	۰/۶۳
۱۰	دانش و بینش فلسفی	۰/۷۴	۰/۸۱
۱۱	دانش و مهارت‌های مالی	۰/۷۵	۰/۸۰
۱۲	دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی	۰/۷۳	۰/۷۶
۱۳	ضریب پایایی کل مقوله‌های اهمیت و فایده دروس	۰/۹۱	۰/۹۲

۳.۲. شیوه جمع‌آوری اطلاعات

پرسش‌نامه تهیه شده برای این تحقیق به نشانی‌های پستی موجود در پرونده‌های دانش‌آموختگان ارسال گردید. در هر یک از پاکت‌های پستی، افزون بر پرسش‌نامه، یک عدد پاکت پستی دارای تمبر و آدرس برگشت پستی قرار داده شد تا باعث سهولت ارسال پاسخ توسط پاسخ‌گویان گردد و بدین‌وسیله احتمال بازگرداندن پرسش‌نامه بوسیله پاسخ‌گویان افزایش یابد. یک ماه بعد از ارسال نخست، برای آن دسته از دانش‌آموختگان که پرسش‌نامه را برگشت ندادند، بار دیگر پرسش‌نامه ارسال گردید. در مجموع ۱۴۱ پرسش‌نامه پاسخ داده شده از دانش‌آموختگان جمع‌آوری گردید که از این تعداد دانش‌آموخته، ۱۰۴ نفر از آنها مرد و ۳۷ نفر زن بودند. میزان بازگشت در این تحقیق، ۷۲/۳ درصد بود و با توجه به سایر پژوهش‌های انجام شده، از این طریق، درصد بالا و قابل قبولی می‌باشد.

۳.۳. یافته‌ها

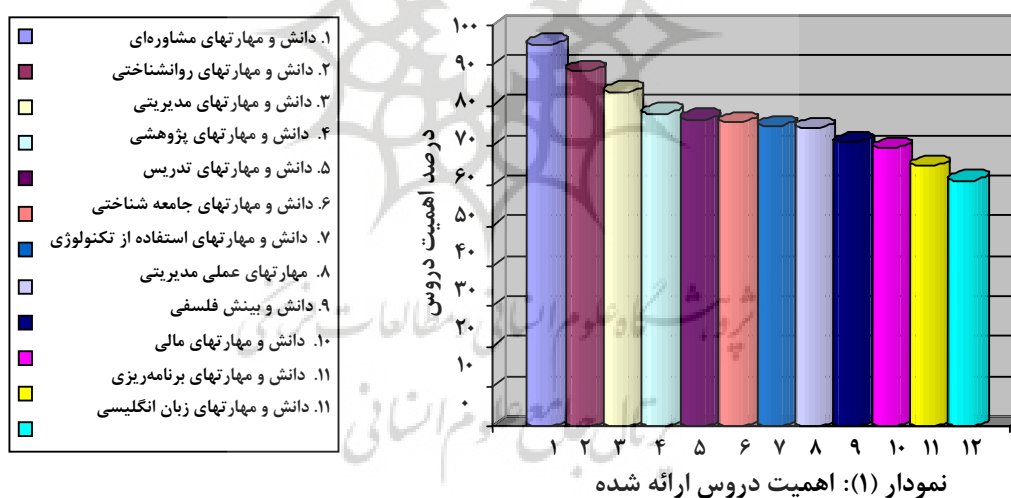
در مورد اهمیت دروس رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز، دروس ارائه شده در دوازده مقوله دسته‌بندی شده بود که این مقولات، با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، رتبه‌بندی شدند و بالاترین رتبه برای مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای که شامل دروس مقدمات مشاوره و راهنمایی، راهنمایی شغلی و تحصیلی و مسائل نوجوانان و جوانان بود و پس از این مقوله، مقولات دانش و مهارت‌های روان‌شناختی و دانش و مهارت‌های مدیریتی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

در بین دوازده مقوله ذکر شده، حدود ۹۵ درصد از دانش‌آموختگان، مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای را مهم یا خیلی مهم بیان نموده‌اند. پس از این مقوله، حدود ۸۹ درصد دانش‌آموختگان مقوله دانش و مهارت‌های روان‌شناختی را مهم یا خیلی مهم دانسته‌اند. این مقوله شامل دروس روان‌شناسی عمومی، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی رشد کودک، روان‌شناسی رشد نوجوانی، روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت، و آموزش و پرورش کودکان استثنائی می‌باشد. مقوله دانش و مهارت‌های مدیریتی در رتبه سوم قرار گرفته است و حدود ۸۳ درصد از دانش‌آموختگان این مقوله را خیلی مهم یا مهم بیان کرده‌اند. این مقوله نیز شامل دروس مدیریت عمومی، اصول مدیریت آموزشی، مدیریت اسلامی، نظارت و راهنمایی تعلیماتی، روابط سازمانی در سازمان‌های آموزشی و سازمان و قوانین آموزش و پرورش می‌باشد. جدول ۵، درصد پاسخ‌های دانش‌آموختگان به هر یک از مقولات در مورد اهمیت دروس ارائه شده، نشان

جدول ۵: درصد پاسخ‌دهندگان در مورد اهمیت دروس ارائه شده

ردیف	مقوله	خیلی بی‌اهمیت	بی‌اهمیت	نظری ندارم	مهم	خیلی مهم
۱	دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای	۰/۹۵	۱/۴۲	۲/۳۶	۲۶	۶۹/۲۷
۲	دانش و مهارت‌های روان‌شناختی	۲/۳۶	۲/۶۱	۶/۳۸	۲۷/۵۴	۶۱/۱۱
۳	دانش و مهارت‌های مدیریتی	۱/۲	۳/۹	۱۰/۶۴	۳۱/۳۲	۵۲/۱۳
۴	دانش و مهارت‌های پژوهشی	۳/۹۸	۵/۵۳	۱۲/۳۸	۳۱/۴۹	۴۶/۵۲
۵	دانش و مهارت‌های تدریس	۲/۱۳	۵/۶۷	۱۵/۶	۳۰/۸۵	۴۵/۷۵
۶	دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی	۳/۵۵	۷/۸	۱۲/۷۶	۲۹/۷۹	۴۶/۱
۷	مهارت‌های عملی مدیریتی	۵/۳۲	۶/۷۴	۱۳/۱۲	۳۱/۲	۴۳/۶۲
۸	دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی	۳/۵۵	۸/۷۵	۱۳/۲۴	۳۹/۲۴	۳۵/۲۲
۹	دانش و مهارت‌های مالی	۳/۳۷	۱۲/۵۹	۱۳/۳	۳۷/۹۴	۳۲/۸
۱۰	دانش و بینش فلسفی	۳/۳۱	۹/۴۶	۱۷/۹۶	۳۹/۹۵	۲۹/۳۲
۱۱	دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی	۴/۹۶	۸/۹۴	۲۱/۱۳	۳۲/۹۱	۳۲/۰۶
۱۲	دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی	۱۱/۳۵	۱۴/۱۸	۱۳/۱۲	۲۹/۴۳	۳۱/۹۲

نمودار (۱) رتبه‌بندی مقوله‌های اهمیت دروس ارائه شده را بر اساس درصد پاسخ دانش‌آموختگانی که هر یک از مقوله‌های اهمیت دروس ارائه شده را مهم یا خیلی مهم ذکر کرده‌اند، نشان می‌دهد.

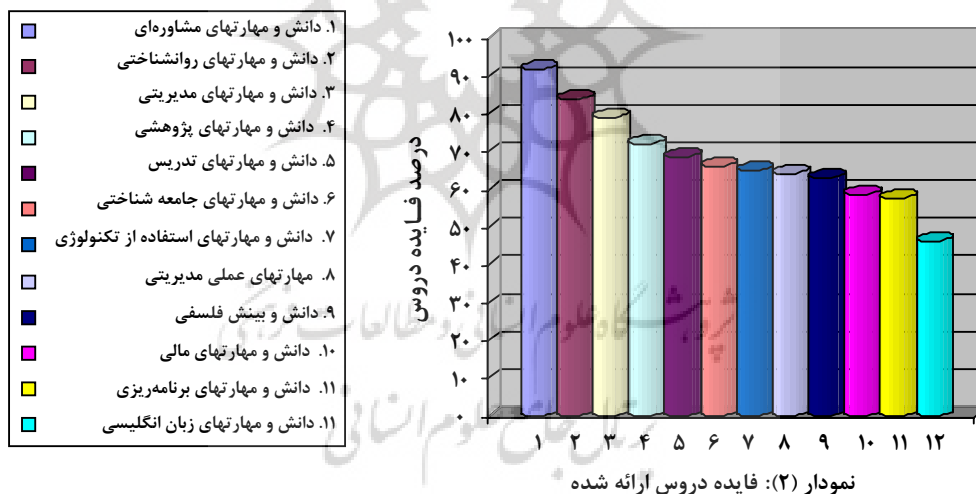


در مورد فایده دروس رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز، دروس ارائه شده در دوازده مقوله دسته‌بندی شده بود که این مقولات با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، رتبه‌بندی شدند که بالاترین رتبه مربوط به مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای بود. و پس از این مقوله، مقولات دانش و مهارت‌های روان‌شناختی و دانش و مهارت‌های مدیریتی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. جدول (۶)، درصد پاسخ‌های دانش‌آموختگان به هر یک از مقولات در مورد فایده دروس ارائه شده را نشان می‌دهد.

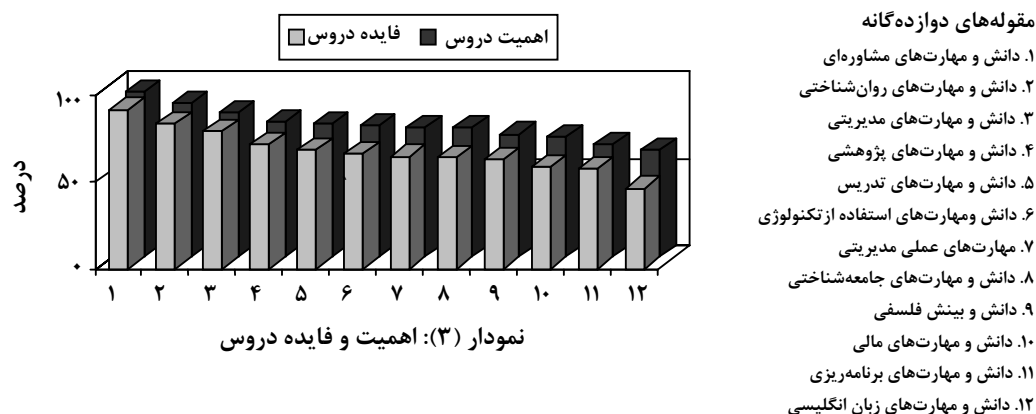
جدول ۶: درصد پاسخ‌دهندگان در مورد فایده دروس ارائه شده

ردیف	مقوله	خیلی بی‌فایده	خیلی مفید	بی‌فایده	نظری ندارم	مفید	خیلی مفید
۱	دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای	۱/۴۳	۲/۳۶	۴/۴۹	۳۲/۱۵	۵۹/۵۷	
۲	دانش و مهارت‌های روان‌شناختی	۳/۰۷	۳/۹	۹/۲۲	۳۰/۸۵	۵۲/۹۶	
۳	دانش و مهارت‌های مدیریتی	۲/۳۶	۶/۳۸	۱۲/۰۶	۳۳/۸	۴۵/۴	
۴	دانش و مهارت‌های پژوهشی	۴/۶۸	۸/۳۷	۱۴/۸۹	۳۶/۰۳	۳۶/۰۳	
۵	دانش و مهارت‌های تدریس	۲/۱۳	۹/۵۷	۱۹/۵	۳۴/۴	۳۴/۴	
۶	دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی	۴/۰۲	۱۱/۵۸	۱۸/۲	۴۰/۴۳	۲۵/۷۷	
۷	دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی	۶/۰۳	۱۳/۴۷	۱۵/۶	۳۵/۸۲	۲۹/۰۸	
۸	مهارت‌های عملی مدیریتی	۹/۲۲	۱۲/۴۱	۱۴/۱۸	۳۰/۵	۳۳/۶۹	
۹	دانش و بینش فلسفی	۶/۶۲	۸/۷۵	۲۱/۵۱	۳۹/۹۵	۲۳/۱۷	
۱۰	دانش و مهارت‌های مالی	۷/۰۹	۱۵/۶	۱۸/۴۴	۳۴/۲۲	۲۴/۶۵	
۱۱	دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی	۶/۸۱	۱۲/۲	۲۳/۲۶	۳۵/۶	۲۲/۱۳	
۱۲	دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی	۱۶/۳۱	۱۸/۴۴	۱۸/۷۹	۲۶/۹۶	۱۹/۵	

نمودار (۲) رتبه‌بندی مقوله‌های فایده دروس ارائه شده را بر اساس درصد پاسخ دانش‌آموختگانی که هریک از مقوله‌های فایده دروس ارائه شده را مفید یا خیلی مفید ذکر کرده‌اند، نشان می‌دهد.



در بین دوازده مقوله ذکر شده، حدود ۹۲ درصد از دانش‌آموختگان، مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای را مفید یا خیلی مفید بیان نموده‌اند. پس از این مقوله، حدود ۸۴ درصد دانش‌آموختگان، مقوله دانش و مهارت‌های روان‌شناختی را مفید یا خیلی مفید دانسته‌اند. مقوله دانش و مهارت‌های مدیریتی در رتبه سوم قرار گرفته است که حدود ۷۹ درصد از دانش‌آموختگان این مقوله را خیلی مفید یا مفید بیان کرده‌اند. در نمودار (۳) بعد اهمیت دروس ارائه شده (درصد افرادی که مقولات دوازده‌گانه را مهم یا خیلی مهم دانسته‌اند) با بعد فایده دروس ارائه شده (درصد افرادی که مقولات دوازده‌گانه را مفید یا خیلی مفید دانسته‌اند) نشان داده شده است.



مقایسه نگرش دانش‌آموختگان زن و مرد رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز، پیرامون اهمیت مهارت‌های آموخته شده نشان داد که تنها در مقوله‌های دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای و دانش و مهارت‌های روان‌شناختی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مرد و زن وجود دارد. میانگین نمرات بدست آمده در این مقوله برای زنان به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین نمرات مردان است ($t=2/11$, $p=0/03$).

در مورد اهمیت مقوله دانش و مهارت‌های روان‌شناختی، میانگین نمرات گروه زنان از میانگین نمرات گروه مردان به‌طور معنی‌داری بالاتر است ($t=3/78$, $p=0/001$). در سایر مقولات دروس ارائه شده بین دو گروه زن و مرد دانش‌آموخته تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. جدول (۷) نتایج حاصل از مقایسه نگرش دانش‌آموختگان مرد و زن را در مورد اهمیت دروس ارائه شده، نشان می‌دهد.

جدول ۷: خلاصه نتایج مقایسه نگرش مردان و زنان دانش‌آموخته در مقوله‌های اهمیت دروس ارائه شده

مقوله‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی‌داری
دانش و مهارت‌های مدیریتی	مرد	۴/۳	۰/۴۹	۱/۰۹	NS
	زن	۴/۱۸	۰/۶۳		
مهارت‌های عملی مدیریتی	مرد	۴/۰۴	۱/۰۵	۰/۵۸	NS
	زن	۳/۹۱	۱/۱۴		
دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی	مرد	۳/۵۴	۱/۳۶	۰/۲۴	NS
	زن	۳/۶	۱/۲۸		
دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی	مرد	۳/۷۷	۰/۷۳	۰/۱۷	NS
	زن	۳/۸	۰/۷۸		
دانش و مهارت‌های روان‌شناختی	مرد	۴/۳۷	۰/۶۵	۲/۱۱	۰/۰۳
	زن	۴/۵۶	۰/۳۷		
دانش و مهارت‌های پژوهشی	مرد	۴/۰۷	۰/۸۲	۰/۹	NS
	زن	۴/۰۲	۰/۷۱		
دانش و مهارت‌های تدریس	مرد	۴/۰۹	۰/۸۱	۰/۸۱	NS
	زن	۴/۲۱	۰/۷۹		
دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای	مرد	۴/۵۳	۰/۶۱	۳/۷۸	۰/۰۰۱
	زن	۴/۸۲	۰/۳		
دانش و مهارت‌های تکنولوژی	مرد	۴/۰۵	۰/۸	۰/۴۱	NS
	زن	۴/۱۲	۰/۹		
دانش و بینش فلسفی	مرد	۳/۸۳	۰/۸۱	۰/۲۵	NS
	زن	۳/۷۹	۰/۹۶		

NS	۱/۵۹	۰/۷۶	۳/۹	۱۰۴	مرد	دانش و مهارت‌های مالی
		۰/۸۵	۳/۶۵	۳۷	زن	
NS	۰/۵	۰/۸۳	۳/۹۶	۱۰۴	مرد	دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی
		۰/۹۳	۳/۷۸	۳۷	زن	

مقایسه نگرش دانش‌آموختگان زن و مرد رشته مدیریت و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز پیرامون فایده مهارت‌های آموخته شده، نشان داد که تنها در مقوله‌های دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای و دانش و مهارت‌های روان‌شناختی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مرد و زن وجود دارد. در مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای نیز میانگین نمرات بدست آمده برای گروه زنان از میانگین گروه مردان به‌طور معنی‌داری بالاتر است ($t=۳/۹۱$, $p=۰/۰۰۱$).

در مورد فایده مقوله دانش و مهارت‌های روان‌شناختی میانگین بدست آمده برای گروه زنان به‌طور معنی‌داری از میانگین مردان بالاتر است ($t=۲/۵۲$, $p=۰/۰۱۳$). در سایر مقولات فایده دروس ارائه شده بین دو گروه زن و مرد دانش‌آموخته تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. جدول (۸) نتایج حاصل از مقایسه نگرش دانش‌آموختگان مرد و زن را در مورد فایده دروس ارائه شده، نشان می‌دهد.

جدول ۸: خلاصه نتایج مقایسه نگرش مردان و زنان دانش‌آموخته در مقوله‌های فایده دروس ارائه شده

مقوله‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی‌داری
دانش و مهارت‌های مدیریتی	مرد	۴/۱۷	۰/۶۲	۱/۱۵	NS
	زن	۴/۰۳	۰/۶۴		
مهارت‌های عملی مدیریتی	مرد	۳/۷۹	۱/۱۴	۱/۸۹	NS
	زن	۳/۳۱	۱/۴۱		
دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی	مرد	۳/۱۸	۱/۲۹	۰/۴۹	NS
	زن	۳/۰۵	۱/۴		
دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی	مرد	۳/۴۹	۰/۸۱	۰/۴۹	NS
	زن	۳/۵۵	۰/۶۶		
دانش و مهارت‌های روان‌شناختی	مرد	۴/۲	۰/۷۳	۲/۵۲	۰/۰۱۳
	زن	۴/۴۴	۰/۳۶		
دانش و مهارت‌های پژوهشی	مرد	۳/۸۶	۰/۸۴	۰/۹۱	NS
	زن	۴	۰/۷۱		
دانش و مهارت‌های تدریس	مرد	۳/۸۸	۰/۸۴	۰/۲۱	NS
	زن	۳/۹۱	۰/۸۳		
دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای	مرد	۴/۳۶	۰/۷۴	۳/۹۱	۰/۰۰۱
	زن	۴/۷۳	۰/۳۸		
دانش و مهارت‌های تکنولوژی	مرد	۳/۶۶	۰/۸۹	۰/۳۴	NS
	زن	۳/۷۲	۰/۹۷		
دانش و بینش فلسفی	مرد	۳/۶۵	۰/۹۴	۰/۱۵	NS
	زن	۳/۶۲	۱/۰۱		
دانش و مهارت‌های مالی	مرد	۳/۶۲	۰/۹۳	۱/۸۶	NS
	زن	۳/۲۹	۰/۹		
دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی	مرد	۳/۷۳	۰/۹	۰/۳۱	NS
	زن	۳/۶۸	۰/۸۸		

در مورد تأثیر جایگاه شغلی دانش‌آموختگان شاغل بر نگرش آنها نسبت به اهمیت مهارت‌های آموخته شده، سه گروه مدیران (شامل مدیران اداره و مدارس)، معاونان و معلمان (شامل معلمان، دبیران و مشاوران) در مقوله‌های دوازده‌گانه اهمیت دروس با یکدیگر مقایسه شدند. در مقوله دانش و مهارت‌های مالی که شامل دروس کلیات اقتصاد،

اقتصاد آموزش و پرورش، مبانی امور مالی و تنظیم بودجه و اصول حسابداری است میانگین بدست آمده برای گروه مدیران ۴/۱۰ برای معاونان ۳/۸۵ و برای معلمان ۳/۶۷ است که نشان می‌دهد میانگین نمره گروه مدیران از گروه معاونان و معلمان بیشتر است و تفاوت نیز معنی‌دار می‌باشد ($F=۳/۱۵$, $df=۲$, $P < ۰/۰۴۶$). جدول (۹) نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه سه گروه را در مورد اهمیت مقوله دانش و مهارت‌های مالی نشان می‌دهد.

جدول ۹: نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه جایگاه شغلی دانش‌آموختگان در مورد اهمیت

مقوله دانش و مهارت‌های مالی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
بین گروه‌ها	۳/۹۹	۲	۱/۹۹	۳/۱۵	۰/۰۴۶
درون گروه‌ها	۷۴/۴۹	۱۱۸	۰/۶۳		
کل	۷۸/۴۸	۱۲۰			

آزمون تعقیبی توکی مشخص کرد که فقط تفاوت بین دو گروه مدیران و معلمان معنی‌دار می‌باشد. بین دو گروه مدیران و معاونان و همچنین بین دو گروه معاونان و معلمان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در سایر مقولات نیز تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

در مورد تأثیر جایگاه شغلی دانش‌آموختگان شاغل بر نگرش آنها، نسبت به فایده مهارت‌های آموخته شده، سه گروه مدیران (شامل مدیران اداره و مدارس)، معاونان و معلمان (شامل معلمان، دبیران و مشاوران) در مقوله‌های دوازده‌گانه فایده دروس با یکدیگر مقایسه شدند. در مقوله دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی که شامل دروس مقدمات تکنولوژی آموزشی و کاربرد کامپیوتر در مدیریت آموزشی می‌باشد میانگین بدست آمده برای گروه مدیران ۳/۷۰ برای گروه معاونان ۴/۰۵ و برای معلمان ۳/۴۸ است که میانگین گروه معاونان از دو گروه دیگر بالاتر و تفاوت نیز معنی‌دار می‌باشد ($F=۴/۱۵$, $df=۲$, $P < ۰/۰۱۸$). جدول (۱۰) نتایج مربوط به تحلیل واریانس بین سه گروه مدیران، معاونان و معلمان با فایده مقوله دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه جایگاه شغلی دانش‌آموختگان در مورد اهمیت

مقوله دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
بین گروه‌ها	۶/۳۵	۲	۳/۱۷	۴/۱۵	۰/۰۱۸
درون گروه‌ها	۹۰/۲۲	۱۱۸	۰/۷۶		
کل	۹۶/۵۷	۱۲۰			

آزمون تعقیبی توکی مشخص نمود که فقط تفاوت بین دو گروه معاونان و معلمان معنی‌دار می‌باشد. بین دو گروه مدیران و معاونان و همچنین بین دو گروه مدیران و معلمان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

در مقوله دانش و مهارت‌های مالی، که شامل دروس کلیات اقتصاد، اقتصاد آموزش و پرورش، مبانی امور مالی و تنظیم بودجه و اصول حسابداری است، میانگین نمره گروه مدیران از گروه معاونان و معلمان بیشتر است و تفاوت نیز معنی‌دار است ($F=۵/۰۱$, $df=۲$, $P < ۰/۰۰۸$). جدول (۱۱) نتایج مربوط به تحلیل واریانس یک طرفه بین سه گروه مدیران، معاونان و معلمان را با توجه به متغیر فایده مقوله دانش و مهارت‌های مالی نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه جایگاه شغلی دانش‌آموختگان در مورد فایده

مقوله دانش و مهارت‌های مالی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
بین گروه‌ها	۸/۶۶	۲	۴/۳۳	۵/۰۱	۰/۰۰۸
درون گروه‌ها	۱۰۲	۱۱۸	۰/۸۶		
کل	۱۱۰/۶۶	۱۲۰			

آزمون تعقیبی توکی در مورد این مقوله نیز اجرا گردید و مشخص کرد که تفاوت بین دو گروه مدیران و معلمان، معنی‌دار می‌باشد. بین دو گروه مدیران و معاونان و همچنین بین دو گروه معاونان و معلمان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در سایر مقولات نیز تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در مورد بررسی ارتباط بین اهمیت و فایده دروس گذرانده شده، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بین همه مقولات اهمیت و فایده دروس ارائه شده ضریب همبستگی محاسبه شد و نتایج نشان داد که در تمام مقولات بین اهمیت دروس و فایده دروس ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. جدول (۱۲) ضرایب همبستگی پیرسون را بین مقولات اهمیت و فایده دروس ارائه شده، نشان می‌دهد.

جدول ۱۲: ضریب همبستگی پیرسون بین اهمیت و فایده دروس ارائه شده

مقوله‌های دوازده‌گانه												اهمیت											
												۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای												۰/۶۷											
۲. دانش و مهارت‌های روان‌شناختی													۰/۸۰										
۳. دانش و مهارت‌های مدیریتی														۰/۷۲									
۴. دانش و مهارت‌های پژوهشی															۰/۸۱								
۵. دانش و مهارت‌های تدریس																۰/۷۲							
۶. دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی																	۰/۴۶						
۷. مهارت‌های عملی مدیریتی																		۰/۷۱					
۸. دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی																			۰/۷۶				
۹. دانش و مهارت‌های مالی																				۰/۷۰			
۱۰. دانش و بینش فلسفی																					۰/۷۶		
۱۱. دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی																						۰/۷۵	
۱۲. دانش و مهارت‌های زبان انگلیسی																							۰/۷۲

* تذکر: تمامی ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار می‌باشند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی نگرش دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز، در مورد میزان اهمیت و فایده دروس ارائه شده، انجام شده است. در این تحقیق، دروس اصلی و تخصصی ارائه شده در

دوره کارشناسی به دوازده مقوله تقسیم‌بندی شد و نظرات دانش‌آموختگان پیرامون اهمیت و فایده دروس ارائه شده جمع‌آوری گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد اکثریت دانش‌آموختگانی که در این پژوهش، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در مشاغل مربوط به رشته تحصیلی خود مشغول به‌کار شده‌اند، این عامل موجب شده است تا در بیشتر مقولات دانش‌آموختگان دروس ارائه شده را از لحاظ اهمیت دروس در حد مهم یا خیلی مهم و از لحاظ فایده دروس نیز در حد مفید یا خیلی مفید ارزیابی نمایند. همچنین نتایج نشان داد که بین اهمیت و فایده دروس ارائه شده ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد و چنین به‌نظر می‌رسد که دانش‌آموختگان، اهمیت دروس رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را، به میزان فایده‌ای که در شغل فعلی آنها دارد، بیان کرده‌اند. در هر دو مورد اهمیت و فایده دروس ارائه شده، مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای از نظر اهمیت و فایده در رتبه نخست قرار دارد و مقوله‌های دانش و مهارت‌های روان‌شناختی و دانش و مهارت‌های مدیریتی در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این نتایج، بیانگر نیاز شدید مدیران آموزشی به دانستن اصول و فنون مشاوره، روان‌شناسی و کسب مهارت در این زمینه می‌باشد. ضمن آنکه نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که تعداد زیادی از دانش‌آموختگان دارای جایگاه شغلی نظیر مشاور، دبیر، معلم و معاون مدرسه بودند که در این جایگاه‌های شغلی، نیاز به دروس مربوط به مشاوره و روان‌شناسی بیشتر است.

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر آن بود که دانش‌آموختگان زن، مقولات دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای و دانش و مهارت‌های روان‌شناختی را به‌طور معنی‌داری مهم‌تر و مفیدتر از دانش‌آموختگان مرد بیان کرده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که جایگاه شغلی حدود نیمی از دانش‌آموختگان زن شاغل در آموزش و پرورش مشاور بوده در صورتی که تنها ۱۲ نفر از دانش‌آموختگان مرد دارای جایگاه شغلی مشاور در مدارس بودند. بدیهی است که نیاز مشاوران به دروس مربوط به مقوله‌های مشاوره و روان‌شناسی بیشتر می‌باشد.

یافته دیگر در پژوهش حاضر آن بود که دانش‌آموختگان شاغل در جایگاه مدیر، در مقایسه با معلمان، اهمیت و فایده دروس مقوله دانش و مهارت‌های مالی را بیشتر تلقی می‌کنند؛ ولی تفاوت بین مدیران و معاونان در این خصوص معنی‌دار نمی‌باشد. به‌طور معمول، معلمان از دروسی که در مقوله دانش و مهارت‌های مالی قرار دارد، کمتر در شغلشان استفاده می‌کنند و مدیران به جهت نوع مسئولیتشان، با امور مالی بیشتر ارتباط دارند. نتایج تحقیقات هسلوپ (۲۰۰۰)، هاوکی و لی (۱۹۹۹) و سادمنت و هسلوپ (۱۹۹۷) این مورد را نشان می‌دهد.

سرانجام اینکه یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموختگان شاغل در جایگاه معاونت، مقوله دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی را مفیدتر از معلمان و مدیران می‌دانند و تفاوت بین معاونان و معلمان از این لحاظ معنی‌دار بود. مقوله دانش و مهارت‌های استفاده از تکنولوژی شامل دو درس مقدمات تکنولوژی آموزشی و کاربرد رایانه در مدیریت آموزشی است. شاید بتوان دلیل معنی‌دار بودن تفاوت بین نمرات گروه معاونان و گروه معلمان را در استفاده از رایانه در محیط شغلی دانش‌آموختگان دانست. به روش معمول معاونان وظایف اجرایی مدارس را انجام می‌دهند و برای تهیه گزارش و یا ثبت اطلاعات مربوط به فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان از قبیل ثبت نمرات امتحانی، محاسبه میانگین، تهیه کارنامه و غیره با رایانه کار می‌کنند و با اطمینان می‌توان گفت که معاونان بیشتر از معلمان و حتی مدیران از رایانه در امور شغلی استفاده می‌کنند. بنابراین، فایده درس رایانه برای آنها در محیط شغلی نسبت به معلمان و مدیران بیشتر بوده است.

یافته‌های این پژوهش مشخص کرد که دروس مربوط به مشاوره و روان‌شناسی برای دانش‌آموختگانی که در رده‌های مدیریتی آموزشگاه‌ها مشغول شده‌اند، از اهمیت و فایده زیادی برخوردار است؛ بنابراین، افزون بر دروس مدیریتی، توجه بیشتر در ارائه دروس دانشگاه در زمینه مشاوره و روان‌شناسی می‌تواند، دانش‌آموختگان این رشته دانشگاهی را، در انجام وظایفشان بیشتر یاری دهد.

یکی از مشکلات و موانعی که بر سر راه انجام این پژوهش وجود داشت، دسترسی به دانش‌آموختگان بود. فقدان اطلاعات لازم و روزآمد در خصوص محل کار و سکونت دانش‌آموختگان مرحله جمع‌آوری اطلاعات را بسیار طولانی کرد. بنابراین، برای انجام این‌گونه از تحقیقات، ایجاد بانک اطلاعات دانش‌آموختگان در دانشگاه ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین در این پژوهش، بعضی از مقوله‌های درسی همچون دانش و مهارت‌های برنامه‌ریزی و زبان انگلیسی از نظر

فایده برای دانش‌آموختگان، نسبت به سایر مقوله‌ها در جایگاه پایین‌تری قرار گرفتند که اهمیت این دروس بر صاحب‌نظران پوشیده نیست. با توجه به اینکه پژوهش حاضر، فقط در مورد اهمیت و فایده دروس ارائه شده انجام شده است، نمی‌تواند برای این موضوع پاسخ مناسبی ارائه دهد؛ شایسته است، در تحقیقات بعدی دروس این رشته تحصیلی از نظر محتوای آموزشی (سرفصل مطالب هر درس) نیز مورد بررسی قرار گیرد.

یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------|---------------------|
| 1. Hawkey & Lee | 3. Marsh & Roche |
| 2. Heslop | 4. Sudment & Heslop |

منابع

الف. فارسی

- امیری اردکانی، محمد. (۱۳۷۶). **تعیین‌کننده‌های موفقیت تحصیلی، شغلی و تعهد سازمانی دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز**. دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- حسینی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۶). **بررسی اجمالی تجارب آموزشی - فرهنگی گروهی از دانش‌آموختگان دانشگاه شیراز در سه زمینه میزان رضایت‌مندی، تحقق آرمان‌های آموزشی و اندازه تغییرات**. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره دوازدهم، شماره دوم، بهار، ۴۰-۱.
- مهدی نژاد، ولی. (۱۳۷۶). **بررسی اثر بخشی دروس تربیتی در کارآیی شغلی**. *مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان*. سال سوم، نوبت دوم، پائیز و زمستان، ۲۵-۳۸.
- میرکمالی، محمد. (۱۳۷۲). **تحلیلی بر توانمندی‌های شغلی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**. شماره چهارم، زمستان، ۳۸-۱۳.

ب. انگلیسی

- Colleen, H. and Robert, L. (1999). **One Year Graduate Follow-Up Survey of 1996 Baccalaureate Graduates from BC's Public Universities**. University Presidents' Council. Canada: British Columbia.
- Joanne, H. (2000). **1998 Five-Year Graduate Follow-Up Survey of 1993 Baccalaureate and PDP Graduates**. Office of Analytical Studies, Simon Fraser University. Canada: British Columbia, Burnaby.
- Joanne, H. (1999). **1997 One Year Follow-Up Survey of 1996 Baccalaureate and PDP Graduates**. Office of Analytical Studies, Simon Fraser University. Canada: British Columbia, Burnaby.
- Marsh, H. W. & Roche, L. A. (1994). **The Use of Students' Evaluations of University Teaching to Improve Teaching Effectiveness**. Higher Education Division, Evaluations and Investigations Program, Department of Employment, Education and Training. Canberra: Australian Government Publishing Service.
- Sudmant, W. and Joanne, H. (1997). **Five Year Graduate Follow-Up Survey Of 1991 Baccalaureate Graduates From BC's Public Universities**. University Presidents' Council. Canada: British Columbia.
- Texas State Occupational Information Coordinating Committee. (1998). **What Is Follow-Up?**, Texas State Occupational Information Coordinating Committee. Austin, Texas.